

زمان، مکان و انسان در آثار باستانی پاریزی

جمشید روستا

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان
jamshidroosta@uk.ac.ir



انسان، زمان و مکان در آن از اهمیت زیادی برخوردار است و وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نوع بشر، مدام با زبانی ساده اما شیوا بیان می‌گردد. با مطالعه این آثار می‌توان همراه با باستانی پاریزی، از جوانی تا سالخوردگی وی و مردمان میدنظرش را به نظاره نشست و شاهد تلاش‌ها و ترقی او بود:

«من اینک ۷۷ ساله شده‌ام و اتفاق است که ۵۵ کتاب نیز تا امروز چاپ کرده‌ام. دو عدد دو رقمی مشابه مزدوج. دیروز به فکر افتادم که ببینم در سال‌های دورقمی مشابه عمر خود، در این مدت طولانی زندگی در چه حال و هوایی بوده‌ام؟ چطور است که یک بازی با اعداد مزدوج بکنیم:

۱۱ سالگی (۱۳۱۵/ش/۱۹۳۶ م.) سال پنجم دبستان را در مدرسه پاریزی می‌خواندم... ۲۲ سالگی (۱۳۲۶/ش/۱۹۴۷ م.) در مدرسه شیخ عبدالحسین تهرانی حجره داشتم و در کلاس ششم ادبی مدرسه (رشدیه) مروی تهران شاگرد اول شدم... ۳۳ سالگی (۱۳۳۷/ش/۱۹۵۸ م.) در کنکور دوره دکتری تاریخ قبول شدم و از مدیریت دبیرستان دخترانه بهمنیاره استعفا دادم. با موافقت همسر خانم حبیبه حائری به تهران اداره موزه ایران باستان انتقال یافتم... ۴۴ سالگی (۱۳۴۸/ش/۱۹۶۹ م.) به دعوت انجمن ایران و آمریکا در اصفهان یک سخنرانی در باب اقتصاد صفویه در باغ با صفای قنصلگری، ایراد کردم. ۵۵ سالگی (۱۳۵۹/ش/۱۹۸۰ م.) به عضویت هیئت تحریریه تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی در یونسکو انتخاب شدم... ۶۶ سالگی (۱۳۷۰/ش/۱۹۹۱ م.) از اتفاقات است که در این سال... مخلص جفت شش آورده است چندان اتفاق مهمی در زندگی مخلص روی نداده... در ۷۷ سالگی (۱۳۸۱/ش/۲۰۰۲ م.) این دیگر همان سالی است که من در انتظار آن بودم. منی که همیشه درگیر و دار عدد هفت بودم و اینک با دو پای خود آن عدد مبارک به خانه من آمده:

آن نعمتی که می‌طلبدیم سال‌ها / پرسیده راه خانه واز در آمده...»

(باستانی پاریزی، ۱۳۸۴: ۲۴-۲۰)

کتابنامه

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، خود مشق مالی، تهران: نشر نامک، ۱۳۷۸.
باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، گذار زن از گذار تاریخ، تهران: نشر علم، ۱۳۸۴.
خیراندیش، عبدالرسول. نقد و نظر درباره تاریخنگاری دکتر باستانی پاریزی. تهران: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۳۸۲. دی و بهمن، ص ۳۷-۴۳.
روستا، جمشید و همکاران، جغرافیای تاریخی کرمان، تهران: نشر خاموش، ۱۳۹۸
زینلی پور، عزت، «بررسی سبک نویسندگی دکتر باستانی پاریزی و تأثیر پذیری او از ابوالفضل بیهقی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۷.
Wolfgang Hochbruck, "Living History as an Educational Tool and Method in North America and Germany". Bad Heilbrunn: Verlag Julius Klinkhardt ۲۰۲۰، p. ۸۱-۹۷
S.K. Stevens. Local History is Living History. Report an issue with this product or seller. Wayne University Press. January ۱۹۵۳، ۱.

۱. Local History
۲. S.K. Stevens
۳. S.K. Stevens. Local History is Living History. Report an issue with this product or seller. Wayne University Press. January ۱۹۵۳، ۱
۴. Wolfgang Hochbruck, "Living History as an Educational Tool and Method in North America and Germany". Bad Heilbrunn: Verlag Julius Klinkhardt, ۲۰۲۰، p. ۹۷-۸۱

شعرو طنز بازی می‌گردد. همین ویژگی است که به آثار باستانی پاریزی، علاوه بر وجه تاریخی، جنبه ادبی نیز داده است. نوشته‌های وی سرشار از اشعار فارسی و عربی، ضرب‌المثل‌های مختلف و داستان‌های دلکش و خواندنی از مردمان مختلف و حتی شرح حالی داستان‌گونه از اقوام و طوایف کرمانی است. به قول عبدالرسول خیراندیش، باستانی پاریزی به خوبی طنز و شوخی را می‌فهمد و برای او همه چیز شوخی است؛ بر این اساس پرداختن به تاریخ برای



او شغل نیست بلکه نحوه‌ای از زندگی است. (خیراندیش، ۱۳۸۲: ۳۸)
به عبارت بهتر وی با تیزهوشی دریافته است که جهت بیان وقایع مختلف تاریخی باید دست به ساختار شکنی و هنجارگریزی زده و برای شیرین ساختن روایت حوادث تلخ، آن‌ها را به شهد طنز و مطایبه آراسته نماید. از همین رو با گزینش قالب داستانی و با شگردهای خاصی مثل روش تطبیقی. تشبیهی، به همراه تکنیک جریان سیال ذهن و تداعی‌های فراوان، شیوه سهل و ممتنع، توصیف و تصویرسازی، استفاده از سجع، جناس و بازی با کلمات، تمثیل، استعاره و تشبیه، واژگان خاص، باستان‌گرایی، نوع جملات و ساخت‌های صرفی و نحوی خاص، به مرحله شخصی‌سازی زبان رسیده، صدای خاص او از لابلای کلامش به گوش می‌رسد. لحن کلاش طنزآمیز و صمیمانه است و با زبان ساده و بی‌تکلف، بهره‌گیری از ساخت‌های کهن و زبان بومی و محلی، کنایات، اصطلاحات و تعابیر عامیانه و ضرب‌المثل‌ها، با هدف عمومی ساختن مطالعه تاریخ و بالا بردن سطح آگاهی عموم مردم، به روایت تاریخ می‌پردازد. (زینلی پور، ۱۳۹۷: چکیده)

بدون تردید می‌توان ده‌ها ویژگی دیگر را برای تاریخ‌نویسی باستانی پاریزی ارائه نمود و در این مجال کوتاه فقط به همین مختصر اکتفا باید کرد. در نهایت می‌توان گفت که سبک تاریخ‌نویسی باستانی بسیار متفاوت است و همیشه نیز بحث برانگیز بوده است. به عبارتی ایشان در سبک نگارش خود یکه و تنها هستند و دیگران از دنباله‌روی او ناتوان بوده و چون برخی نمی‌توانند چنین باشند، به جای نقد، آثاری را رد می‌کنند. (خیراندیش، ۱۳۸۲: ۳۸)
در مجموع باستانی پاریزی نمادی از عشق به زادبوم با رویکردی در تاریخنگاری است که می‌توان آن را تاریخ زنده نامید؛ تاریخی که

به میان آورد. ارادت وی به کرمان و کرمانیان همواره در جای‌جای نوشته‌هایش وجود دارد و وی کوشیده است این ارادت را به هر شکل و شیوه‌ای بیان دارد. البته عشق به زادبوم و زادگاه از گذشته‌های بسیار دور (احداقل از سده سوم هجری قمری بدین طرف) در میان بسیاری از نویسندگان تاریخ‌های محلی در ایران بوده است و همین عشق و علاقه در کالبد باستانی پاریزی نیز جاری و ساری است. از همین روست که سبک تاریخ‌نگاری باستانی را باید تاریخ زنده، قلمداد کرد. برای وی درک تاریخ، مستلزم رفتن به فضای گذشته است. به عبارت بهتر برخلاف دیگران که از حال به گذشته می‌روند؛ او گذشته را به حال می‌آورد و بدان حضور و عینیت می‌دهد. (خیراندیش، ۱۳۸۲: ۳۹). این مهم به ویژه به هنگام نگارش در باب کرمان و کرمانیان، عینیت بیشتری می‌یابد.

به نظر نگارنده این سطور، مسأله عشق و علاقه به زادبوم و زادگاه و بیان جغرافیای تاریخی و وضعیت اجتماعی آن، از گذشته‌های بسیار دور به عنوان یکی از ویژگی‌های غیرقابل انکار تاریخ‌های محلی ایران است (روستا، ۱۳۹۸: ۲۱-۱۸). موضوعی که باستانی پاریزی نیز به خوبی و با تیزهوشی بر اهمیت آن واقف است و از همین رو کرمان برای وی صرفاً یک مکان نیست، بلکه نمادی از یک فرهنگ است. فرهنگی غنی که وی وظیفه خود می‌داند پژوهش درباره آن را در مرکز تحقیقات خود قرار دهد. (خیراندیش، ۱۳۸۲: ۴۱-۳۷)

البته بیان این نکته نیز الزامی است که در نگارش تاریخ‌های محلی و یا سخن راندن از زادگاه و زادبوم نیز نباید آن حسن ناسیونالیستی و شهروطنی سبب شود فقط حسن‌ها و نقاط قوت زادبوم، نگارش گردد و از بیابان‌های و نقاط ضعفش چشم‌پوشی شود. موضوعی مهم که باستانی پاریزی نیز بدان آگاه است. «اینطور که من در کارهای خودم برداشت کرده‌ام می‌خواهم ثابت کنم که قطب عالم امکان، کرمان است و مدار عالم بر مرکزیت کرمان می‌چرخد! مصداق همان حرف منسوب به شاه ولی که گفت:

دروزی زمین نیست چو کرمان جائی / کرمان دل عالم است و ما هلال دلیم
راستی اگر می‌شد مقاله را طوری نوشت که یک خراسانی به مقاله اقلیم پارس، همان حد علاقه پیدا کند که یک شیرازی به مقاله شاهنامه آخرش خوش است، آن وقت گلها چه گل بود». (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸: ۱۰۳-۱۰۱)

سومین مشخصه یا ویژگی تاریخ‌نویسی باستانی پاریزی، که در اکثر آثاری نیز قابل رؤیت است. ساده‌نویسی است. قلم روان و شیوای باستانی که بسیار ساده و بی‌پیرایه و در همان حال رسا و زیباست و نیز طبع شعری که آن‌هم بسیار لطیف است به او این امکان را می‌دهد که مضامین تاریخی مورد نظر خود را به طور جذاب عرضه نماید. همین موضوع سبب اقبال عمومی به آثاری شده است و همان‌گونه که وی اعتقاد به مردمی شدن تاریخ داشت؛ اقشار مختلف مردم نیز آثار او را می‌خواندند و از آن بهره می‌بردند. (خیراندیش، ۱۳۸۲: ۴۱-۳۷)

چهارمین ویژگی آثار باستانی پاریزی به بهره‌گیری از گنجینه فرهنگ عامه و استفاده از سخنرانی یا نوشتاری از این کهن‌دیار سخن

با مطالعه جدیدترین مقالات و کتب تاریخی و بررسی شیوه‌های تدریس تاریخ در مدارس و کالج‌های غرب معاصر به سبکی در آموزش تاریخ بر می‌خوریم که می‌توان آن را تاریخ زنده نامید. به عبارت بهتر در این سبک از تدریس، سعی می‌شود با کمک اماکن و ابنیه تاریخی برجای مانده از دوره‌های مختلف زمانی و همچنین ابزار و ادوات ارائه شده در موزه‌ها و سایر بناهای عمومی؛ تاریخ را از مفهومی انتزاعی و دور از زمان حال، به مفهومی دست‌یافتنی و زنده تبدیل نمایند. تنها محدودیت‌های واقعی در تاریخ زنده و این نوع ارائه‌ها، سوابق تاریخی موجود و تخیل انسان است.

با تطبیق این شیوه از تدریس در اروپا. که البته به مرور در ایران نیز به کار گرفته شده است. با سبک آثار برجای مانده از محمد ابراهیم باستانی پاریزی می‌توان به این مهم دست یافت که سبک تاریخ‌نگاری باستانی را نیز باید تاریخ زنده، قلمداد کرد. چراکه برخلاف دیگران که از حال به گذشته می‌روند؛ او گذشته را به حال می‌آورد و بدان حضور و عینیت می‌دهد. به عبارت بهتر اگر موزه‌ها اعتبار خود را از مصنوعات که نگهداری می‌کنند، می‌گیرند و مکان‌های تاریخی بخش زیادی از اعتبار خود را از چشم‌انداز برجای مانده می‌گیرند؛ آثار و کتب باستانی پاریزی، آنقدر زنده و پویا هستند که مخاطب را قادر می‌سازد خود را در آن دوره زمانی و مکانی قرار دهد و حتی یک‌گام نیز فراتر گذشته و تخیل خود را نیز به کارگیرد. درهم تنیده شدن همین سه عنصر یعنی زمان، مکان و انسان و آنچه نوع بشر در یک مکان و طی دوره‌های زمانی مختلف تجربه می‌کند چنان جذابیتی را به آثار استاد باستانی پاریزی می‌دهد که آن را زنده و پویا می‌سازد.

به نظر می‌رسد کسانی در تدریس درس تاریخ موفق‌ترند که علاوه بر تدریس تئوریک تاریخ بتوانند مخاطبان را در ارتباطی بلاواسطه با ابنیه، اماکن و اشیاء تاریخی نیز قرار دهند. این امر در کنار کارکرد دانشگاهی، یک کارکرد گردشگری نیز ارائه می‌دهد و یادگیری را مضاعف می‌سازد.

تاریخ‌های محلی نمونه‌ای کامل از کتبی هستند که مخاطب با خواندن آنها می‌تواند نوعی تاریخ زنده را درک کند. برای نمونه استیونس^۲ در فصلی از کتاب «تاریخ محلی، تاریخ زنده است»^۳ و ولفگانگ هوکبروک (هوخروک) در مقاله‌های با عنوان «تاریخ زنده به عنوان یک ابزار و روش آموزشی در آمریکای شمالی و آلمان»^۴ به این مهم پرداخته‌اند. از منظر این پژوهشگران، تاریخ‌های محلی برخلاف سایر شاخه‌های تاریخ‌نگاری، رویکردی جزئی‌نگر داشته و تا حد زیادی بدان جهت که نویسندگان این آثار بسیاری از وقایع عنوان شده را به چشم دیده‌اند، از همین رو گفته‌های آنها تا حد زیادی واقعی و زنده به نظر می‌رسد (Stevens, 1953: 12-18. Hochbruck, 2020). (81-97)

آثار محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تا حد زیادی دارای همین ویژگی‌هاست. این آثار از سویی دیگر در مواردی که به تاریخ محلی کرمان بازرگردد، جزئی‌نگر و ریزبین است. به نظر می‌رسد نخستین ویژگی تاریخ‌نویسی وی؛ تنوع موضوعی تحقیقات تاریخی اوست. تأملی در آثار متعددی نشان می‌دهد که او از یک‌سو در حوزه‌های مختلف تاریخ اعم از تاریخ سیاسی، تاریخ اجتماعی، تاریخ فرهنگی و تاریخ اقتصادی به پژوهش پرداخته و آثاری را نگاشته است و از سوی دیگر این آثار را در قالب‌های گوناگونی همچون یادداشت‌ها و خاطرات، تصحیح متون، مقدمه‌نگاری، تألیف، ترجمه و... به مخاطبان منتقل کرده است.

دومین ویژگی تاریخ‌نویسی باستانی پاریزی؛ پرداختن به تاریخ محلی و به‌طور ویژه تاریخ کرمان است. سرزمینی که وی به خوبی زیر و بم تاریخ آن را می‌داند و همان‌گونه که خود اظهار می‌دارد قسم یاد کرده که همواره و در هر سخنرانی یا نوشتاری از این کهن‌دیار سخن

با تأملی در آثار ارزشمند محمد ابراهیم باستانی پاریزی می‌توان دریافت که خود یک تنه، بخش قابل‌اعتنایی از مطالب تاریخی، جغرافیای و ادبی در باب کرمان هم‌زمان با دوره‌های مختلف رادوین و نگارش نموده و آنها را در قالب مقاله، مقدمه‌های جامع و زیرنویس‌های کامل بسیاری از کتب تألیفی و تصحیحی ارائه کرده است. در صفحات پایانی اکثر کتب ایشان، آثار تألیفی، تصحیحی و ترجمه‌ها ارائه شده و معمولاً در سه بخش «مربوط به کرمان»؛ «مجموعه هفتی» و «سایر کتب»، دسته‌بندی گردیده است. این تقسیم‌بندی در ذهن مخاطبان، چنین متبادر می‌نماید که تمامی مطالب راجع به کرمان را باید در بخش نخست آثار باستانی پاریزی، جستجو کنند. این در حالی است که در سایر بخش‌های آثاری نیز می‌توان به مطالبی مرتبط با سرزمین کرمان دست یافت. بخش عظیمی از آثار استاد در ذیل تاریخ محلی قرار می‌گیرد؛ تاریخ‌های محلی، علاوه بر دارا بودن نقاط قوتی همچون مایه گرفتن از حسن شهر وطنی و تفاخر بومی، جزئی‌نگر بودن، شرح جغرافیایی منطقه مورد بررسی و مواردی از این قبیل، دارای یک ویژگی بسیار مهم و اختصاصی نیز هستند. این خصوصیت ویژه که موجبات برتری این‌گونه از تاریخ‌ها را بر سایر گونه‌های تاریخ‌نگاری فراهم نموده، عبارت است از اینکه این نوع از تاریخ‌نگاری، مشحون از اطلاعاتی بسیار مفید و سودمند در باب احوال اجتماعی مردمان مناطق مورد بررسی در زمان‌های مختلف است. به عبارت بهتر بازاندیشی تاریخ در ذهن تاریخ‌نگار محلی انجام می‌شود و ذهن مورخ در بستر ساختاری جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند قوام می‌گیرد. در همین راستا انسان و سرگذشت وی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود؛ امری که استاد باستانی پاریزی نیز به خوبی بدان واقف است و تا حد ممکن کوشیده است بدین سه اصل مهم یعنی زمان، مکان و انسان در آثارش پایبند باشد.

در کنار تاریخ (عنصر زمان) بی‌شک ویژگی‌های جغرافیایی (عنصر مکان)، شرایط سوق الجیشی، چگونگی حدود و ثغور، وضعیت آب و هوایی و جمعیتی از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار بر هر دولت و خاندان حکومتی است. بر اهل فضل و پویندگان راه علم و دانش، پوشیده نیست که تحلیل و تبیین تاریخ هر انسان و حاکمیت‌های ایجاد شده توسط نوع بشر، بدون بررسی دقیق اوضاع جغرافیایی آن مرز و بوم، کاری است عبث. زیرا وضعیت تاریخی و سیاسی هر مملکت و حکومتی با اوضاع جغرافیایی آن مملکت و حکومت درهم تنیده شده و زمانی ما می‌توانیم نام حکومت یا مملکت را بر یک منطقه بگذاریم که آن منطقه توسط حدود و ثغور دقیق، مشخص شده و از دول و ممالک دیگر متمایز گردد. این مهم، پژوهشگر تاریخ را ملزم می‌کند تا علاوه بر بررسی زمان وقوع رویدادها، محل حدوث آنها را نیز مورد تحلیل و تبیین قرار دهد.

باستانی پاریزی نه در یک کتاب مدون و خاص بلکه در مجموعه‌ای از کتاب‌ها و مقالات و سخنرانی‌ها به وضعیت انسان و حیات اجتماعی آن پرداخته است. البته با عنایت به رویکرد محلی نگاری وی، انسان کرمانی و نوع معیشت مردمان کرمان در دوره‌های زمانی مختلف در آثار وی بیشتر نمود پیدا کرده است. پژوهشگر جهت دستیابی به این اطلاعات ارزشمند و گنج بی‌پایان، باید تمامی آثار وی را جستجو و توزق نماید. به قول دیگر محققان پس از وی، باید در این دریای عظیم غوطه‌ور شوند تا بتوانند به دژ و گهر درون آن دست یابند. با این حال، زنده و پویا بودن این آثار در کنار طبع لطیف باستانی پاریزی، مخاطب را مجذوب ساخته و سادگی و روانی گفتارش، وی را تا پایان با نویسنده همراه می‌سازد. زبان ساده اما روان باستانی پاریزی، گذشته را به حال آورده و بدان حضور و عینیت می‌دهد؛ همین امر میزان مخاطبان آثار وی را دوچندان کرده است.